

عاشقان لاتینی

اگرچه رودلف والتینو اولین عاشق لاتینی بر پرده سینما نبود، اما او تمامی ویژگی های این عاشقان سینمایی را به نمایش می گذاشت.

آرژانتینی؛ ستاره رقص تانگو، و قهرمانان رمانتیک فرانسوی چون «شارل بوابه» «موریس شوالیه» یا «لوئی ژوردان» نام برد.

اگر چه رودلف والتینو اولین عاشق لاتینی بر پرده سینما نبود، اما او تمامی ویژگی های این عاشقان سینمایی را به نمایش می گذاشت. وی در دهکده ای کوچک در جنوب ایتالیا متولد شد و در هیجده سالگی، به سال ۱۹۱۳، به آمریکا آمد. پس از فعالیت در یک رشته مشاغل در نیویورک، به کار مهمانداری در یک کلوب شبانه پرداخت و چندی نگذشت که مبدل به یک ژیکولوی طبقه بالا شد. در سال ۱۹۱۷ به هالیوود رفت و به عنوان هنرپیشه نقش های فرعی شروع به کار کرد و به سرعت به جانی رسید که در سال ۱۹۲۱ نقش اصلی را در یک فیلم از رکن اینگرام بنام «چهارسوار سرنوشت»، عهده دار شد.

والتینو طی پنج سال فقط چهارده فیلم بازی کرد. او با ترکیبی از رخوت زنانه و هیبت مردانه، شخصیت یک آدم بد بسیار مد بالا را ارائه داد. اما فیلم «شیخ» (THE SHEIK؛ ۱۹۲۱) بود که شهرت وی را به عنوان یک «عاشق بزرگ» تثبیت کرد و پول فراوانی را نصیب کمپانی پارامونت کرد. او یک عاشق پرشور و پراحساس، یک اغواگر بلند همت بود که هیچ کس در مقابلش تاب مقاومت نداشت و تجسم بخش رویاهای فراوان زنان بسیاری بود. این شاهزاده هزار و یک شبی، با

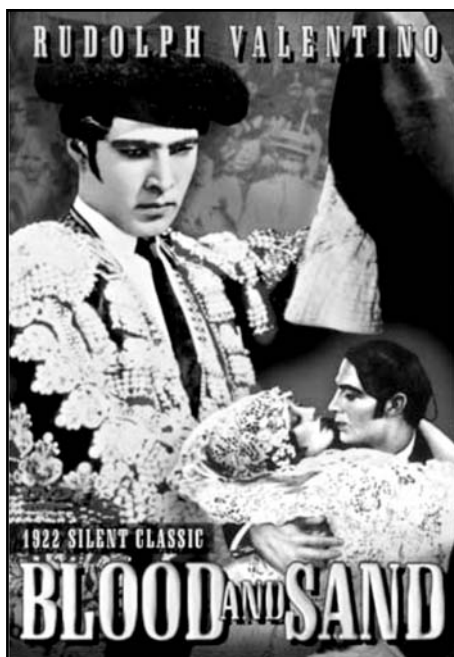


فیلم های سیاه و سفید، موی سیاه غالباً از موی بلوند بهتر دیده می شود.

از عاشقان ایده ال بر پرده سینما، می توان از رودلف والتینو؛ ستاره ایتالیایی عصر صامت سینما در طی دهه ۱۹۲۰، «رامون ناوارو» مکزیک، کارلوس گاردل

جمال آریان

اینکه چرا از زمان پیدایش سینما، بازیگران مدیترانه ای از لحاظ چهره و ظاهر بسیار محبوب و موفق بوده اند، بخشی مربوط می شود به اینکه در تصاویر



به رابطه ای آشکار با «پولا نگری» پرداخت که هنرپیشه ای زیبا و سبزه رو بود که همیشه کلاه مجلل بی لبه ای می پوشید. پولا ستاره ای آلمانی بود که به هالیوود آمده بود.

نقش های باورنکردنی اش، لباس های باشکوهش، چشمان سیاه و موهای به دقت به عقب شانه شده اش، برای زنان رؤیا می آفرید و خیال می بافت و راهی می گشود تا آنان از روال کسالت بار زندگی روزمره بگریزند.



اگرچه والتینو چونان خدای سکس پرستیده می شد، اما زندگی خصوصی اش بسیار غریب بود، تا آنجا که مخالفینش او را به ناتوانی جنسی و یا حتی همجنس بازی متهم می کردند. او دو بار ازدواج کرد، اما در هر دو بار با کسانی از حلقه زنان همجنس گرای ستاره

لوتیس آلن به سال ۱۹۵۱، و با بازیگری آنتونی دکستر و دومی تهیه شده توسط کن راسل و با بازیگری رودلف توریف به سال ۱۹۷۷.

رودلف والتینو یک بار گفته بود: «من به زنان آنچه را دادم که به آنها کمک می کرد تا رؤیاهایشان را نقش دوزی کنند.»

این عاشق لاتینی با بدن باریک و خوش نگاه داشته اش، با صورتی که بیانی پُر رخوت بدان داده می شد، با تمامی ژست ها و ظرافت و دلربایی اش، یک رقصنده بنظر می رسد که امروزه به عنوان یک «سمبول سکس»، چهره ای «زن گونه» است و دلیلش هم آن است که پس از او نوع دیگری از «مردانه» بودن توسط «کلارک گیبل» وارد سینما شد.

آنچه که درباره والتینو هنوز برای مردم تکان دهنده است، ظرافت و شکنندگی و سیمای جوان وی است که اشتیاقی برای محافظت از وی بر می انگیزد، و در واقع، به همین گونه بود که زن دومش هم او را «پسر بچه ای غمگین و کوچک» دیده بود.

والتینو قبل از پیدایش سینمای ناطق

والتینو در بیست و سوم سپتامبر سال ۱۹۲۶ بر اثر بیماری در نیویورک درگذشت. بیش از چهل هزار نفر در مراسم تدفینش حضور داشتند. پولا نگری نمایش حیرت انگیزی از سوگ و اندوه ارائه کرد، شورشی نیز در حین انجام مراسم در گرفت که منجر به زخمی شدن عده ای شد. تعداد زیادی بیهوش شدند و عده ای نیز دست به خودکشی زدند که واقعا مراسم را بیاد ماندنی کرد. چنین مراسم مشابهی از دیوانه بازی جمعی نیز پس از مرگ کارلوس گاردل در سال ۱۹۳۵ و تدفین جیمز دین به سال ۱۹۵۵ رخ داد.

مشابه مراسم باستانی، والتینو قهرمان، به نوعی جاودانگی پر درخششش پس از مرگ ارتقا یافت و گونه ای از «کیش شخصیت» پسامرگی در اطراف او گسترش پیدا کرد. «خدای عشق» جاودانه در فیلم های وی به زندگی ادامه می داد و به همین گونه در میان عکسها و خاطرات وی. در دو فیلم، که هر دو «والتینو» نامیده شد، این اسطوره را گرامی می داشت: اولی تهیه شده توسط

روسی، «آنا نازیموا». همسر اولش، بازیگری بود بنام «جین اکر» که والتینو را در شب عروسی اش به سال ۱۹۱۹ از خود راند. والتینو نیز بر پایه «عدم وصال» تقاضای طلاق کرد. سپس اسیر «ناتاشا رامبووا» شد. این زن، آمریکائی و طراح لباس بود که یک نام استعاری روسی برای خود برگزیده بود. اما ناتاشا بیشتر عاشق کارش بود تا والتینو. والتینو با او در سال ۱۹۲۲ در مکزیکو ازدواج کرد، اما یک هفته بعد به دلیل دو همسر داشتن، به هنگام بازگشت به لوس آنجلس، دستگیر شد، چرا که طبق قانون می بایست یک سال پس از طلاق اول ازدواج نمی کرد و او این را رعایت نکرده بود. به او پیشنهاد شد تا ازدواجش را با همسر دومش، همانند ازدواج اول، «وصال نیافته» اعلام کند. که البته این مسئله نیز این سؤال را به ذهن می آورد که آیا اساساً وصالی صورت گرفته یا نه؟ شایعه ای تازه پا گرفت، با سوالات بسیار درباره «مردانگی» وی.

والتینو پس از جدائی اش به سال ۱۹۲۴،



درگذشت. سینمایی که بازیگران بسیاری را به علت صدای ضعیف و بدشان به کنار گذاشت.

حرکات و چهره سازی های تئاتری و گاهی بسیار اغراق شده بازیگران عصر سینمای صامت باعث شد تا عاشقان لاتینی از مد افتاده و اینک گاه مسخره به نظر آیند.

فیلم «خون و شن» (۱۹۲۲) که درامی ساخته شده در عصر صامت است، توسط کمپانی پارامونت تولید شد. کارگردان آن فرد نیبلو بود و رودلف والتینو، لیلالی و نیتا نالدی بازیگران اصلی آن بودند.

فیلم بر اساس رمانی اسپانیایی به نام «خون و شن» نوشته «ویسنته بلاسکو ایبانز» ساخته شد. نسخه سینمایی قدیمیتری بر اساس این نوشته به سال ۱۹۱۶ توسط نویسنده کتاب ساخته شده بود که دستبازی وی را ماکس آندره به عهده داشت. این نسخه اولیه در سال ۱۹۹۸ در اسپانیا ترمیم و عرضه شد.

داستان فیلم درباره خوان گاردو - بازیگری رودلف والتینو - یک بچه دهاتی فقیر است که به تدریج مبدل به یکی از بزرگترین گاوبازان (ماتادور) اسپانیا

می شود. او با دوستی از ایام کودکی از دواج می کند. زنی زیبا و پرهیزکار بنام کارمن (بازیگری لیلالی)، اما پس از کسب شهرت و بخت، به سوی دونا سول (بازیگری نیتا نالدی) کشیده می شود؛ بیوه زنی ثروتمند و اغواگر. آنها درگیر رابطه ای بیشتر آزردهنده می شوند و خوان که از نظر خیانتش به کارمن احساس گناه می کند، می کوشد تا از شر دونا سول خلاص شود. اما دونا سول از رانده شدنش خشمگین می شود و رابطه شان را برای کارمن برملا می کند و مادر خوان را نیز در جریان می گذارد و در نتیجه رابطه زناشویی خوان را بهم می ریزد. خوان که روز به روز بینواتر و ناراحت تر می شود، در میدان نبرد نیز ناموفق است. او سرانجام در یک نبرد با گاو کشته می شود، اما پیش از مرگ با کارمن لحظاتی را می گذراند.

در فیلم یک طرح فرعی درباره یک یاغی محلی وجود دارد که کارش به توازی با زندگی خوان پیش می رود. مجروحیت مرگبار خوان در آخر فیلم درست لحظاتی پس از کشته شدن یاغی توسط پلیس است. فیلم هر چند امروزه قدیمی و کهنه به نظر می رسد، و صحنه های دلربایی و حرکات چشم و ابرو و صورت گاه مضحک می نماید، اما هنوز جذاب است و صحنه های گاوبازی در آن پرکشش و دیدنی است.

فیلم در فروش گیشه موفق بود و پول فراوانی سرایز جیب سازندگانش کرد. در سال ۱۹۲۲، دو کمترین مشهور، لورل و هاردی، در فیلم «گل و شن» MUD AND SAND نسخه ای کمدی از این فیلم ساختند.

«چهار سوار آخر زمان» یا «چهار سوار سرنوشت» The Four Horsemen Of The pcalypse (۱۹۲۱)

فیلمی است صامت، تهیه شده در کمپانی مترو که کارگردان آن فیلمساز صاحب نام عصر صامت، رکس اینگرام، و بازیگر آن رودلف والتینو است. این فیلم اقتباسی است از جون ماتیس که براساس اثری از نویسنده فیلم «خون و شن»، یعنی بلاسکو ایبانز، نوشته شده است.

فیلم «چهار سوار ...» تاثیر فرهنگی پر قدرتی داشت و پرفروشترین فیلم سال ۱۹۲۱ بود به گونه ای که فیلم پر فروش چارلی چاپلین یعنی «پسر بچه» را شکست داد و در مقام ششمین فیلم پرفروش عصر سینمای صامت خوش نشست. همین فیلم بود که هنرپیشه گمنام و کم شناخته شده ای چون رودلف والتینو را مبدل به فوق ستاره ای کرد و تصویر «عاشق لاتینی» را بر پرده سینما جان داد. این فیلم به رقص «تانگو» که تا آن موقع اعتبار چندانی در سینما نداشت. جایگاهی بخشید. جون ماتیس که فیلم را از رمان بلاسکو ایبانز اقتباس کرده بود، مبدل به یکی از قدرتمند ترین زنان در هالیوود شد. رمان بلاسکو اثر تاریخی پُر فروشی بود که استودیوهای زیادی برگرداندن آن را به فیلم دشوار یافته بودند.

جون ماتیس، قبلاً هنرپیشه ای جوان بنام «رودلف والتینو» را در اثری از «کلارا کیم بال» بنام «چشمان جوانی» (۱۹۱۹) و نیز در فیلم «جزیره عشق» دیده بود. بنابراین او را برای بازی در این فیلم دعوت کرد. تهیه کنندگان استودیو شک داشتند که این بازیگر جوان از پس نقش بر آید. والتینو نیمی فرانسوی و نیمی ایتالیایی بود و سیمایی کاملاً لاتینی داشت که تا آن زمان چندان در فیلم ها کاربرد نداشت. پس از برداشتن تست های فیلم از او تصمیم گرفتند تا فیلم را مفصل تر کنند تا به استعداد های این نوجوان امکان بروز دهند. برای نشان دادن توانایی های رقص والتینو، صحنه

مشهور تانگو بدن اضافه شد. گرچه در اصل داستان وجود نداشت.

به والتینو هفته ای سیصد و پنجاه دلار می پرداختند که بسیار کمتر از دستمزد سایر بازیگران بود، به علاوه از خواستند تا لباس هایش را نیز خود تهیه کند که هزاران دلار برایش خرج برداشت.

فیلم «چهار سوار ...» داستانی تخیلی دارد که از تاریخ جنگ جهانی اول الهام گرفته است: «مادا ریاگا» با لقب «ستار»، زمین داری خشن اما محبوب، دامادی آلمانی دارد که دوستش ندارد، اما از داماد دیگرش که خانواده ای فرانسوی دارد خشنود است. او بویژه دلبسته نوه اش خولیو (رودلف والتینو) است، که با او گردش هائی دارد.

در یکی از بارها آن صحنه رقص تانگوی مشهور رخ می دهد. زن و مردی مشغول رقص تانگو هستند. خولیو جلو می رود و از مرد رقص می خواهد که صحنه را ترک کند. زن نگاه فریبنده ای به خولیو می کند. مرد دوباره شروع به رقص با او می کند. خولیو آنها را از هم جدا می کند و با ضربه ای مرد رقص را به میان میز و صندلی ها سرنگون می کند. خولیو و زن رقص سپس رقصی نمایشی از تانگو ارائه می دهند. پس از صحنه رقص، زن روی پای خولیو می نشیند و مشروب می خورد.

«ماداریاگا» سپس مست به صحنه می رود. زن به او می خندد. خولیو او را به کناری می زند و پدر بزرگش را کمک می کند تا به خانه روند.

چندی بعد مادا ریاگا فوت می کند. خانواده از هم می پاشد، نیمی به آلمان می روند، نیمی به فرانسه. خولیو در پاریس همچنان علاقه مند به رقص، نوعی زندگی آزاد را می گذراند. او عاشق «مارگریت لوریر» می شود؛ زنی ناشاد و بسیار جوان و همسر «ایتن لوریر»، دوست پدر خولیو. رابطه آنها بر ملا می شود و شوهر مارگریت با طلاق از او موافقت می کند. به نظر می رسد که اینک خولیو و مارگریت می توانند ازدواج کنند، اما هر دو درگیر وقوع جنگ می شوند: جنگ جهانی اول.

مارگریت پرستار می شود. ایتن کارهای شجاعانه می کند و کور می شود. ایتن را به بیمارستانی می برند که مارگریت در آن کار می کند. مارگریت از او مراقبت می کند. خولیو به دیدار مارگریت می آید و او را مشغول مراقبت از ایتن می بیند. خولیو شرمسار، در ارتش فرانسه نام نویسی می کند. ارتش آلمان، قصر پدر او را تصرف می کند و پدرش مجبور می شود تا یک ژنرال آلمانی و افرادش را در این قصر پذیرائی کند. برادرزاده پدر خولیو در میان

افراد این ژنرال است و می کوشد تا خانواده خولیو را محافظت کند، بر اثر حادثه ای، پدر خولیو بازداشت می شود و به او حکم اعدام می دهند، اما بر اثر حمله قوای فرانسه، جان او نجات پیدا می کند. خولیو بر اثر کارهای شجاعت آمیز در جبهه نامی پیدا می کند. طی نبردی در مکانی ناشناس، او پسر عموی آلمانی اش را ملاقات می کند اما لحظاتی بعد بر اثر انفجار هر دوی آنها جانشان را از دست می دهند. مارگریت در بازگشت به پاریس تصمیم می گیرد تا از ایتن کور جدا شود، ولی روح خولیو از او می خواهد که به مراقبت از او ادامه دهد. در پایان فیلم هر دو خانواده برای از دست رفتگانشان عزاداری می کنند.

در زمان نمایش فیلم در نیویورک، فیلم مورد استقبال منتقدین قرار گرفت و یکی از پر فروشترین فیلم ها تا آن زمان شد. چون ماتیس که اینک زنی موفق به حساب می آمد، دوستی نزدیکی با والتینو برقرار کرد و چندین فیلم دیگر برای او نوشت و سیمای او را شکل بخشید. ارائه چهره «عاشق لاتینی» والتینو تا چند فیلم ادامه یافت، تا اینکه نقش جدید او یعنی «شیخ» عربی پیش آمد و او چند فیلم در این نقش بازی کرد. این فیلم در سال ۱۹۶۲ با کارگردانی وینست مینلی بازسازی شد.

ABC Better Life



شیلنگ شیردار
به آسانی می توانید نصب کنید

\$39⁹⁹ + tax
Call Olga Flores

832-878-4984
www.handyspray.com

298

دی جی بار DJ YAR

بارتی خصوصی سالگرد ازدواج
عروسی، نامزدی، تولد

**Birthday Party
Special \$100** Req. \$250

با بهترین آهنگهای روز، هیجان جشنها
و مهمانی های شما را چندین برابر می کنیم

713-367-0787

E-mail: Dj-Yar@hotmail.com

